



مصاحبه با

عبدالرحیم خطیبی قشمی

عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت



معرفی

عبدالرحیم خطیبی قشمی، فرزند عبدالحمید و متولد خرداد ۱۳۴۲، اهل و ساکن شهرستان قشم است که هم‌اکنون امام جمعه و مسئول شورای روحانیت اهل سنت شهرستان قشم و همچنین مدرس دوره‌ی عالی مجتمع دینی بندرعباس، استاد دانشگاه مذاهب اسلامی (شعبه‌ی بندرعباس)، روحانی کاروان حج از استان هرمزگان، عضو هیأت فتوای اهل سنت جنوب ایران و عضو شورای دبیرخانه برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور می‌باشد.

وی دوران تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در قشم گذراند و در سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ دیپلم در رشته‌ی اقتصاد اجتماعی گردید. در همان سال، در اولین سال تأسیس مدرسه علوم اسلامی بندرعباس وارد آن مدرسه شد و پس از چهار سال، دوره‌ی معمول در مدارس دینی آن زمان را به پایان رسانید. مهمترین دروس طلاب در آن مدرسه شامل فقه شافعی، علم فرائض (میراث)، تفسیر، حدیث، سیرت نبوی، تاریخ خلفاء و صرف و نحو بود. در دوران تحصیل به پیشنهاد مدیر مدرسه، مرحوم استاد شیخ محمد ضیایی بعضی از دروس کلاس‌های پایین‌تر را در همان مدرسه تدریس می‌کرد. در آن زمان، تعدادی از طلاب مدرسه عصرها به کلاس شبانه‌ی دبیرستان می‌رفتند و تعداد اندکی از جمله وی که دیپلم داشتند در کلاس‌های فوق‌العاده‌ای که شیخ ضیایی عصرها و بعد از مغرب برگزار می‌نمود، شرکت می‌کردند.

وی پس از پایان دوره‌ی چهار ساله تحصیل، به مدت دو سال در شهر قشم به تدریس علوم دینی در مدرسه دینی قشم که در سال ۶۲ تأسیس شده بود، پرداخت. در این مدت، به علت کهولت سن مرحوم شیخ حسن خطیب، امام جمعه وقت قشم به درخواست وی به ایراد خطبه‌ی جمعه نیز می‌پرداخت. بعد



از این دو سال تدریس، جهت ادامه‌ی تحصیل و تکمیل حفظ قرآن به پاکستان عزیمت نمود و در شهر کراچی، در دانشکده‌ی حدیث که تدریس در آن به زبان عربی بود، به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ مدرک لیسانس و فوق لیسانس در رشته‌ی روایت و درایت حدیث شد.

وی در سال ۱۳۷۰ به شهر و دیار خود برگشت و تا سال ۱۳۷۸ در مدرسه سلطان‌العلماء قشم به تدریس دینی مشغول شد که البته در کنار تدریس هم به عنوان خطیب جمعه، مسئولیت برگزاری نماز جمعه را نیز عهده گرفت. در سال ۱۳۷۸، امام جمعه اصلی اهل سنت قشم، مرحوم شیخ حسن خطیب دارفانی را وداع گفت و بدین ترتیب از آن سال تاکنون آقای خطیبی به عنوان امام جمعه، رسماً عهده‌دار این مسئولیت در قشم است. همچنین در همان سال یعنی ۱۳۷۸ بعد از تأسیس دوره‌ی عالی در مدرسه‌ی بندرعباس جهت تدریس به آن مدرسه دعوت شد که از آن سال تاکنون به عنوان کادر رسمی آن مدرسه، برای تدریس به بندرعباس رفت و آمد دارد. از سال ۱۳۹۱ نیز تاکنون به دعوت شعبه‌ی بندرعباس دانشگاه مذاهب اسلامی، همزمان با حضور در بندرعباس، در آن دانشگاه نیز به تدریس می‌پردازد. وی در سال ۱۳۷۷ و همزمان با تأسیس مجمع فقهی یا هیأت فتوای اهل سنت جنوب ایران، به عنوان یکی از اعضای دوازده‌گانه آن هیأت نیز حضور دارد. همچنین از سال ۱۳۸۹ از طرف نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان و قائم مقام وی در امور اهل سنت، مسئولیت شورای روحانیت اهل سنت شهرستان قشم را عهده‌دار می‌باشد و از سال ۱۳۹۴ به عنوان عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور در حال فعالیت است.

در ادامه، گفتگوی این نشریه با این عالم اهل سنت تقدیم می‌شود:

ضمن بیان تاریخچه‌ای از حوزه‌های علمیه اهل سنت، وضعیت فعلی این حوزه‌ها را از لحاظ کمی و کیفی با گذشته مقایسه نمایید.

بدون شک مدارس علوم دینی در طول تاریخ و اعصار مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه روبرو بوده‌اند. در زمان‌های متقدم، تعلیم و تعلم و فراگیری علوم دینی به شکل کنونی نبوده است؛ بلکه علما و شیوخ به فراخور علم و شهرت‌شان مورد توجه طلاب علم و شیفتگان کسب دانش قرار می‌گرفتند؛ به طوری که در مجلس درس برخی از مشاهیر، هزاران نفر در آن واحد جهت تلمذ و کسب علم از اقصی نقاط حضور می‌یافتند. برخی شیوخ و علما هم در سطح پایین‌تر با تعداد کمتری و گاهی حتی با یک نفر درس‌شان را برگزار می‌کردند و رسالت علمی خود را انجام می‌دادند.

پس از تأسیس مدارس در رشته‌ها و فنون مختلف، تأسیس مدارس علوم دینی هم در دستور کار و محل اهتمام علما قرار گرفت که البته این امر هم با نوساناتی همراه بود. به عنوان مثال، حکامی که علاقه‌مند به دین و مذهب بودند، چون در این رابطه روی خوش نشان می‌دادند و از مدارس دینی حمایت می‌کردند، در زمان آنها این مدارس رشد و رونق قابل توجهی می‌یافت و در نقطه‌ی مقابل، حکامی که میانه‌ی خوبی با دین یا یک مذهب خاص نداشته یا حداقل بی‌تفاوت بوده‌اند، مدارس دینی یا مدارس مربوط به یک مذهب خاص در عصر آنها از رونق می‌افتاده است. البته در پاره‌ای اوقات هم تحت فشار حاکم یک منطقه و فضای سیاسی حاکم بر آن منطقه، مدرسه‌ای از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر نقل مکان می‌شد.

یکی از عوامل دیگر ضعف و بی‌رونقی مدارس دینی، مشکلات اقتصادی بوده است. در قرن اخیر شاهد تعطیلی برخی مدارس علوم دینی اهل سنت در ایران به دلیل فشارهای سیاسی و استبداد رضاخانی و فضای اختناق دوران پهلوی و همچنین تحت تأثیر مشکلات و بحران اقتصادی ناشی از خشکسالی و جنگ‌های جهانی اول و دوم بودیم. به گواهی تاریخ، تعدادی از مدارس علوم دینی اهل سنت در جنوب ایران به دلایلی که بیان شد، حدود نیم قرن تعطیل بودند، اما بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی این مدارس بازگشایی شده‌اند.

تا پیش از پیروزی انقلاب، تعداد مدارس دینی اهل سنت در جنوب کشور بسیار محدود بود. غیر از شیوخ و علمایی که در منزل و مجلس شخصی خود یا در مساجد به تعلیم طلاب اشتغال داشته‌اند، مدارس دینی اهل سنت در جنوب از سه مدرسه فراتر نبوده است که معروف‌ترین آنها، مدرسه سلطان‌العلمای بندرلنگه و مدرسه کمالیه‌ی بند حاج علی جزیره قشم بوده که هر دو به دلیل قدمت بالایی که داشتند، در مقابل مشکلات و فراز و نشیب‌ها مقاومت نمودند. دهه‌ی شصت شمسی را می‌توان دهه تأسیس مدارس دینی اهل سنت نام‌گذاری کرد.

از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۰، اکثر مدارس دینی اهل سنت در جنوب کشور که تعداد آنها بالغ بر بیست مدرسه‌ی بزرگ و کوچک است، تأسیس گردید که غالب این مدارس تاکنون فعال و بارونق بوده و خدمات علمی شایان توجهی را به جامعه اهل سنت تقدیم نموده‌اند. البته در دهه‌های بعد هم تعداد دیگری از مدارس دینی به این جمع ملحق شدند.

تقریباً از اواسط دهه هفتاد یعنی بعد از سال‌های ۷۳ و ۷۴، شاهد تحول شگرفی در مدارس دینی اهل سنت جنوب در راستای توسعه این مدارس بودیم. این توسعه، در سه زمینه قابل تأمل است: نخست؛ تأسیس شعبه‌ی خواهران در مدارس دینی موجود یا تأسیس مدارس مستقل برای طلاب خواهر. دوم؛ تدوین نظام درسی هماهنگ برای مدارس دینی که تمام این مدارس را به صورت یکپارچه و منسجم تحت یک نظام آموزشی و منهج درسی قرار داد و سوم؛ تأسیس مدارس عالی با رشته‌های تحصیلی مختلف برای مستغنی گردانیدن طلاب علوم دینی از مسافرت به خارج از کشور جهت ادامه تحصیل که در این راستا، راه‌اندازی رشته‌های شریعت و فقه، دعوت و اصول دین، تفسیر و قرائات فضای مناسبی را برای ادامه تحصیل طلاب در داخل کشور فراهم نموده است. در سال‌های بعد نیز استمرار این توسعه را با تأسیس دوره‌ی تحصیلات تکمیلی و تخصصی در دو رشته شریعت و دعوت در جهت ارتقاء سطح علمی طلاب در دهه‌ی هشتم شاهد بودیم. بنابراین دهه هفتاد را به حق می‌توان دهه توسعه مدارس دینی موجود نام‌گذاری کرد.

ارتباط حوزه‌های علمیه اهل سنت و تشیع در طول تاریخ چگونه بوده و این ارتباط چگونه ایجاد شده است؟

حوزه‌های علمیه اهل سنت و تشیع تابع علما و شخصیت‌های دینی هستند. تاریخ گواهی می‌دهد که در زمان‌های گذشته، علما و اندیشمندان دینی ارتباط علمی بیشتری با یکدیگر داشته و در مجالس علمی همدیگر شرکت می‌کرده و با همدیگر مناظره و گفتگوی علمی داشته‌اند. طلاب علم هم به تبع علما بدون حساسیت از مجالس علمی علما در هر مذهبی بهره‌مند می‌شده‌اند و این مرزبندی‌هایی که امروز شاهد آن هستیم، در زمان‌های گذشته وجود نداشته است؛ همان‌گونه که علما و فقهای مذاهب اهل سنت نیز با یکدیگر ارتباط نزدیکی داشته و به دور از تعصبات مذهبی در مجالس علمی همدیگر شرکت می‌کرده و کسب فیض می‌نموده‌اند. آثار باقیمانده از این ارتباط در قالب استفاده از تألیفات و آثار علمی علمای مذاهب مختلف تاکنون هم امری معمول، متداول و غیر قابل انکار است. اما مرزبندی و فاصله‌ای که در قرون متأخر بین مذاهب اسلامی اتفاق افتاد، متأسفانه منجر به قطع ارتباط علمی یا حداقل ضعف این ارتباط بین حوزه‌های علمیه مذاهب مختلف گردید که نتایج نامطلوب و پیامدهای منفی آن از حوصله‌ی این مصاحبه خارج است.

بدون شک برای ایجاد یا تقویت این ارتباط، نیازمند ریشه‌یابی و شناسایی عوامل دوری و قطع یا ضعف این ارتباط هستیم. بی‌تردید تجدید و تقویت این ارتباط می‌تواند گام مؤثری در جهت تحکیم مبانی وحدت امت اسلامی و ترویج اعتدال و همگرایی بین مذاهب اسلامی باشد.

ارزیابی شما از نحوه ارتباط حوزه‌های علمیه با دانشگاه‌ها چیست؟

ارتباط حوزه‌های علمیه با دانشگاه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تبادل علمی بین دو جامعه دانشگاهی و حوزوی باشد. بسیاری از علوم به صورت تخصصی در حوزه‌های علمیه یافت می‌شود که جامعه‌ی دانشگاهی به آن دسترسی ندارد و بسیاری از علوم هم محصور در دانشگاه‌هاست که از دسترس حوزه‌های علمیه خارج است. بنابراین شرایط جهان معاصر اقتضا می‌کند که این ارتباط علمی بین حوزه و دانشگاه وجود داشته باشد. چون از یک طرف دانشجویان و دانشگاهیان با سؤالات و شبهاتی مواجه هستند که جز با ارتباط با نصوص و تعالیم اصیل دینی نمی‌توانند پاسخ سؤالات و شبهات خود را دریافت نمایند و از طرف دیگر، طلاب علوم دینی و حوزوی هم برای اثبات حقانیت دین و اعجاز علمی قرآن و سنت و پاسخ به برخی سؤالات شرعی و حل مشکلات مورد ابتلای جامعه یا استفاده از تکنولوژی و فناوری پیشرفته‌ی روز نیازمند برخی علوم دانشگاهی هستند.

به لطف خدا، در سال‌های اخیر اهتمام طلاب علم به تحصیلات دانشگاهی افزایش یافته و همچنین تعدادی از اساتید حوزه‌های علمیه اهل سنت حداقل به صورت پاره‌وقت به تدریس در دانشگاه‌ها اشتغال دارند. در این راستا، به تازگی دانشگاه مذاهب اسلامی، شاخه بندرعباس هم با هماهنگی با شورای برنامه‌ریزی مدارس دینی اهل سنت، اقدام به ثبت‌نام و پذیرش طلاب علوم دینی اهل سنت نموده است.

شرایط یک حوزه علمیه‌ی خوب و یک عالم اهل سنت چیست؟

به نظر بنده، حوزه علمیه‌ی خوب و ایده‌آل، حوزه‌ای است که پنج شاخص داشته باشد:

۱. برنامه‌ریزی در جهت رشد و تقویت پایه‌ی علمی اساتید و طلاب
۲. به روز بودن و استفاده از ابزارها و تکنولوژی پیشرفته و مدرن در امر آموزش و پژوهش
۳. برنامه‌ریزی در جهت تزکیه نفس و پرورش روح طلاب علم
۴. ارائه‌ی خدمت مفید و مؤثر به جامعه به مقتضای زمان
۵. اعتدال‌گرایی و پرهیز از افراط و تفریط

یک عالم ایده‌آل اهل سنت هم به نظر بنده، شخصیتی است که در سه بُعد شخصیتی علم، عبادت و اخلاق، شخصیت خود را تکمیل نموده تا بتواند الگوی مناسبی برای دیگران باشد.

ارزیابی شما از نقش دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل سنت در پنج سال گذشته در راستای خدمت و ارتقای حوزه‌های علمیه چیست؟

از آن جایی که شورای برنامه‌ریزی تاکنون در جهت برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی برای ارتقاء کیفی مدارس دینی اهل سنت و بالابردن سطح علمی اساتید و طلاب گام‌های مثبت و ارزنده‌ای برداشته است، رجای واثق داریم که بتوانیم در آینده‌ی نزدیک، این دهه را نیز به عنوان دهه‌ی ارتقاء کیفیت مدارس علوم دینی اهل سنت نام‌گذاری کنیم.

در زمینه مجله جبل‌المتین چه نظری دارید؟

بحمدالله مدتی است که این مجله در اختیار بنده قرار می‌گیرد. مطالب آن را بسیار مفید و ارزنده می‌دانم و امیدوارم با بهره‌گیری بیشتر از مقالات علمی و پژوهشی علما و اندیشمندان، انتشار این مجله پربارتر از گذشته استمرار یابد.
با تشکر از جنابعالی که در این گفتگو شرکت داشتید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی